

## یادداشت

## ترامپ، همچنان امیدوار به کاسبان ترس

### علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

هرچند ممکن است بابت نوشتن این عبارات به همراهی با صهیونیست‌ها و آل‌سعود... متمم شوم، اما چرا‌هی نیست‌و رسالت‌رسانه‌ای اجازه‌نمی‌دهد به‌خاطر چنین برجسب‌زدن‌هایی ساکت‌بمانیم‌و بی‌توجهی‌منافع‌ملی‌به‌دست‌عه‌دای‌که‌علاقه‌وافری‌دارند‌از‌یک‌سوراخ‌نه‌دو‌مرتبه‌که‌چندین‌و چند‌مرتبه‌گزیده‌شوند‌و‌درس‌عبرت‌نگینند،‌ذبح‌می‌شود.

اجازه‌دهید‌داستان‌را‌بایکی‌دوسوال‌کلیدی‌آغاز‌کنم.‌آیا‌شما‌فکر‌می‌کنید‌آمریکا‌صرفاً‌به‌خاطر‌قدرمآیی‌و‌خوی‌استکباری‌سردمدارانش‌است‌که‌در‌مقابل‌ایران‌این‌گونه‌رفتار‌می‌کند؟‌آیا‌تصور‌می‌کنید‌ایالات‌متحده‌و‌ترامپ‌تنها‌مقصر‌وضع‌موجود‌هستند‌و‌همه‌معادلاتی‌که‌نتیجه‌اش‌وقوع‌شرایط‌کنونی‌است،‌ناشی‌از‌تفکرات،‌تصمیمات‌و‌اقدامات‌ساکنان‌کاخ‌سفید‌است؟

می‌خواهم‌به‌صراحت‌بگویم‌که‌خیر،‌این‌گونه‌نیست.‌ایالات‌متحده‌یک‌دشمن‌است.‌قدرت‌است،‌یک‌چانه‌برگراست،‌تمامیت‌خواه‌است‌و...‌اما‌به‌واقع‌همه‌وضعیت‌امروز‌ایران‌به‌خاطر‌این‌ویژگی‌های‌ایالات‌متحده‌نیست.‌از‌دیدگاه‌من‌به‌عنوان‌یک‌فعال‌رسانه‌ای‌که‌چند‌سالی‌است‌کنش‌های‌جریانات‌مختلف‌را‌رصد‌می‌کنم،‌این‌گونه‌نیست،‌بلکه‌بخشی‌از‌این‌وضعیت‌هم‌از‌سری‌تدبیری‌و‌ندانم‌کاری‌خودمان‌است،‌به‌خاطر‌این‌است‌که‌مسئولان‌کاخ‌سفید‌همانقدر،‌به‌دشمنی‌هایشان‌امیدوارند‌به‌اشتباهات‌ما‌هم‌دل‌بست‌لند.‌آنها‌سال‌هاست‌به‌جریانی‌در‌داخل‌ایران‌نگاه‌می‌کنند‌که‌معمولاً‌ساز‌مخالفت‌می‌زند،‌جریانی‌که‌حداقل‌در‌سیاست‌خارجی‌نه‌بنا‌دارد‌از‌اصول‌و‌اولیات‌علمی‌استفاده‌کند‌و‌نه‌حتی‌دلش‌اجازه‌می‌دهد‌عقلانی‌نگاه‌کرده‌و‌از‌تجربیات‌گذشته‌خودمان‌عبرت‌بگیرد.‌البته‌برای‌شناختن‌این‌جریان‌راه‌دور‌و‌مسیر‌پیچیده‌ای‌در‌پیش‌ندارید،‌کافی‌است‌به‌سراغ‌شماره‌اخیر‌هفته‌نامه‌صدا‌بروید‌و‌چند‌خط‌از‌تحلیل‌شان‌در‌باره‌مناسبات‌صربستان‌و‌آمریکا‌را‌پخوانید‌تا‌ببینید‌ترامپ‌به‌چه‌چیزی‌در‌ایران‌دل‌بسته‌که‌دست‌از‌فشار‌های‌خود‌برنمی‌دارد‌و‌همچنان‌در‌تاریکی‌به‌دنبال‌جلو‌رفتن‌است.

چندی‌پیش‌که‌تصویر‌دیدار‌تحقیرآمیز‌رئیس‌جمهور‌صربستان‌با‌دونالد‌ترامپ‌منتشر‌شده‌و‌در‌ایران‌که‌در‌بسیاری‌از‌کشورهای‌جهان،‌تحلیل‌گران‌با‌تعجب‌از‌آن‌یاد‌کردند،‌دست‌اندرکاران‌شریه‌صدا،‌تحلیل‌مقناوتی‌داشتند،‌به‌دفاع‌از‌آن‌برخاستند‌و‌برای‌توجیه‌چنین‌رفتاری‌نوشتند:‌«آیا‌اقداماتی‌از‌جنس‌کنش‌رئیس‌جمهور‌صربستان‌را‌باید‌مایه‌شمرساری‌او‌دانست‌؟‌فرض‌کنیم‌سیاستمدار‌صرب‌همچون‌متهمی‌در‌اتاق‌بازجویی‌و‌حتی‌یک‌برده‌در‌مقابل‌همتای‌آمریکایی‌خود‌نشسته‌است؛‌اگر‌منافع‌صربستان‌چنین‌اقتضایی‌کند،‌باید‌اقدام‌رئیس‌جمهور‌این‌کشور‌را‌تسخیر‌کرد‌یا‌باید‌آن‌را‌عقلانیتی‌سیاسی‌خواند؟!‌و‌چیچ‌در‌بلندمدت‌سیاستمداری‌خواهد‌بود‌سرفراز‌و‌متعهد‌به‌منافع‌ملی،‌حتی‌اگر‌در‌کوتاهمدت‌بی‌هنگام‌مدعی‌او‌به‌باد‌تسخیر‌گیرند!»

این‌الگوی‌رفتاری‌در‌سیاست‌خارجی‌البته‌اولین‌بار‌نیست‌که‌از‌جانب‌آنها‌سرم‌می‌زند‌چرا‌که‌اعضای‌این‌جریان‌بارها‌وبارها‌همین‌گونه‌رفتار‌کرده‌اند‌و‌البته‌نتیجه‌ای‌نگرفته‌اند.‌نمی‌خواهم‌زیاده‌گویی‌کنم‌اما‌برای‌نمونه‌می‌توانید‌به‌یادداشت‌سال‌گذشته‌محمد‌خاتمی‌در‌گاردین‌مراجعه‌کنید،‌جایی‌که‌او‌به‌گونه‌های‌وضعیت‌منطقه‌را‌تصویر‌سازی‌کرده‌بود‌که‌گویا‌آمریکا‌آماده‌جنگ‌با‌ایران‌است‌و‌برای‌ممانعت‌از‌این‌اقدام‌همه‌باید‌دست‌به‌دست‌هم‌بدهند‌تا‌نظر‌ترامپ‌عوض‌شود‌و‌جنگ‌درنگیرد.‌

یادداشت‌چند‌روز‌قبل‌تر‌اصلاح‌طلبان‌رادیکال‌از‌جمله‌تاجزاده‌امین‌زاده،‌رمضان‌زاده‌و‌خاتمی‌در‌نیویورک‌تایمز‌که‌نمونه‌دیگری‌از‌این‌رفتار‌هاست.‌البته‌در‌این‌خصوص‌نمونه‌های‌عینی‌تری‌هم‌هست‌یا‌بهتر‌بگویم‌آیرنمونه‌هایی‌هست.‌یکی‌در‌دهه‌۹۰‌و‌یکی‌در‌دهه‌۸۰.‌نمونه‌اخیرش‌را‌که‌فعلاً‌همه‌با‌آن‌دست‌به‌گرمی‌بایم؛‌توافقی‌که‌در‌سال‌۹۴‌برخلاف‌همه‌استدلال‌های‌عقلی‌و‌منطقی‌با‌ضعف‌های‌متعدد‌و‌ارائه‌امتیازهای‌قابل‌توجه‌امضا‌شدن‌نتیجه‌آن‌نه‌تنها‌نتش‌زدایی،‌تأمین‌منافع‌کشور‌و‌آرام‌شدن‌آمریکان‌بود‌که‌همین‌گرنش،‌ایالات‌متحده‌را‌جرئی‌تر‌کرد‌و‌تنها‌طرف‌یکی‌دو‌سال،‌سنگین‌ترین‌تحریم‌های‌تاریخ‌علیه‌ایران‌وضع‌شد.‌نمونه‌دهه‌۸۰‌آن‌را‌هم‌که‌حتماً‌همه‌به‌یاد‌دارند،‌عقب‌نشینی‌تا‌مرز‌تعطیلی‌کامل‌صنعت‌هسته‌ای‌و‌پلمپ‌کردن‌قریب‌به‌اتفاق‌تاسیسات،‌به‌امید‌همکاری‌طرف‌مقابل‌که‌خب‌نتیجه‌اش‌تداوم‌زیاده‌خواهی‌بود‌و...‌

حالا‌اما‌تعجب‌اینجاست‌که‌چرا‌این‌جریان‌با‌وجود‌تجربه‌های‌متعدد‌همچنان‌مدافع‌رفتاری‌است‌که‌نه‌تنها‌با‌غیرت‌و‌عزت‌انسان‌چور‌درنمی‌آید‌که‌با‌عقل،‌و‌علم‌و‌تجربه‌هم‌نمی‌خواند،‌آن‌هم‌در‌میان‌کارزار‌بزرگی‌به‌نام‌فشار‌حد‌اکثری‌که‌ایالات‌متحده‌در‌آن‌تنها‌مانده‌و‌امیدوار‌به‌تک‌صدا‌ها‌و‌انذک‌حمایت‌هایی‌است‌که‌شاید‌در‌گوشه‌ای‌از‌جهان‌برای‌حمایت‌ترامپ‌ دیده‌شود.



# سیاست

گزینه‌های فعال ایران درمقابل ماشه پمپئو چیست؟

# گزینه اول: کاهش نظارت‌ها در سطح NPT



دموکرات‌ها، نیز اعلام کرده‌اند در صورت رای آوردن به دنبال توافقی هستند که سایر مسائل ایران ازجمله حضور ایران در منطقه را نیز شامل شود.<sup>۱۱</sup>

### لزوم اقدام متقابل مجلس برای توقف اجرای برجام

بنابراین ایران تنها درصورتی می‌تواند آمریکا و اروپا را وادار کند از مواضع خود کوتاه بیایند که مهم‌ترین دستاورد آنها در برجام، یعنی بازرسی‌های ذیل برجام و پروتکل الحاقی را متوقف کند و کشور را از این برزخ خارج کند. چراکه بهانه‌های طرف مقابل تمامی ندارد و بهانه‌زدایی تنها باعث عقب‌ماندگی کشور و گره خوردن هرچه بیشتر آن با اقدامات آمریکایی‌ها خواهد بود. مجلس شورای اسلامی نیز تنها درصورتی می‌تواند به اقتصاد کشور کمک کند که پیش از آن کشور را از زندانی که سیاست خارجی دولت برای آن ایجاد کرده‌ها کند و هر روز به یک بهانه جدید از سوی دشمنان کشور و اقتصاد آن معطل نشود. در غیر این صورت مجلس نیز در طی این مسیر شریک دولت خواهد بود.

### منابع:

- https://www.isna.ir/news/95040106876
- https://www.isna.ir/news/96051107462
- https://www.bbc.com/persian/iran41209278-4
- https://b2n.ir/552237
- https://b2n.ir/762840
- https://www.fincen.gov/sites/default/files/advisory/11-10-2018/Iran20%Advisory20%FINAL20508%.pdf
- https://p.dw.com/p/3e1VS
- https://www.asriran.com/fa/news/736404
- https://per.euronews.com/26/08/2020/iran-to-allow-iaea-access-to-2-suspect-nuclear-sites
- http://fna.ir/ezitep
- http://www.diplomacy.ir/fa/news/1995095

### نتیجه عدم واکنش؛ افزایش فشارها

دلیل مهم اینکه طرف‌های برجام‌و‌به‌خصوص‌آمریکا‌و‌اروپا،‌علی‌رغم‌این‌حجم‌از‌انجام‌تعهدات‌توسط‌ایران‌روزبه‌روز‌فشار‌خود‌را‌بر‌ایران‌بیشتر‌کرده‌اند،‌این‌بوده‌است‌که‌متأسفانه‌دولت‌و‌حتی‌مجلس‌ایران‌آنها‌را‌مطمئن‌کرده‌است‌که‌ایران‌در‌مقابل‌تمامی‌نقض‌عهده‌های‌آمریکا‌ساکت‌است‌و‌مهم‌ترین‌بخش‌برجام‌برای‌آمریکا‌و‌اروپا‌که‌همان‌بازرسی‌های‌ذیل‌برجام‌و‌اجرای‌پروتکل‌الحاقی‌است‌انجام‌میشود.‌به‌همین‌دلیل‌است‌که‌ترامپ‌با‌اعتقادبه‌نفس‌اعلام‌می‌کند‌پس‌از‌رای‌آوری‌مجدد،‌ایران‌مجبور‌خواهد‌شد‌توافق‌جدیدی‌با‌آمریکا‌امضا‌کند.<sup>۱۰</sup>‌حتی‌مشاوران‌جویداین،‌نامزد

اروپایی‌تحریم‌های‌آمریکا‌را‌اجرا‌کردند،‌خريد‌نفت‌خود‌از‌ایران‌را‌به‌صفر‌رساندند،‌شرکت‌های‌اروپایی‌که‌به‌ایران‌آمده‌بودند‌بدون‌پرداخت‌یک‌دلار‌جریمه،‌یک‌به‌یک‌از‌ایران‌رفتند‌و‌دیگر‌هیچ‌تحریم‌مهمی‌نبود‌که‌علیه‌ایران‌اجرا‌نشده‌باشد‌و‌شدیدترین‌تحریم‌های‌بانکی‌نفتی‌علیه‌ایران‌اعمال‌شد.

### ادامه استراتژی بهانه‌زدایی؛ افزایش بهانه‌های آمریکا

ایران‌اما‌باز‌هم‌به‌این‌بهانه‌که‌اکنون‌آمریکا‌منزوی‌شده‌و‌حتی‌کشورهای‌اروپایی‌رفتار‌آمریکا‌را‌قبول‌ندارند‌در‌برجام‌ماند،‌تعهدات‌هسته‌ای‌خود‌را‌اجرا‌کرد،‌شدیدترین‌بازرسی‌ها‌را‌پذیرفت‌و‌شدیدترین‌تحریم‌ها‌نیز‌علیه‌ایران‌اعمال‌شد.‌پس‌از‌اعمال‌مجدد‌تحریم‌ها،‌آمریکا‌خواهان‌اجرای‌دستورالعمل‌های‌fatf‌در‌ایران‌شد؛‌دستورالعمل‌هایی‌که‌به‌اذعان‌مقامات‌خزانه‌داری‌آمریکا،‌باعث‌جلوگیری‌از‌دور‌زدن‌تحریم‌ها‌می‌شد.‌دکتر‌ظریف‌در‌شهریور‌سال‌۹۷‌اعلام‌کرد‌تصویب‌دستورالعمل‌های‌مرتبط‌با‌fatf‌به‌بانه‌را‌از‌دشمن‌می‌گیرد.<sup>۵</sup>‌اما‌تنها‌چند‌روز‌بعد‌از‌تصویب‌لویح‌موردنظر‌fatf‌در‌مجلس‌و‌در‌مهرماه‌سال‌۹۷،‌خزانه‌داری‌آمریکا‌با‌انتشار‌توصیه‌نامه‌ای،‌مجدداً‌ایران‌را‌به‌عنوان‌کشور‌پولشو‌و‌قرمز‌معرفی‌کرد‌و‌از‌کشورها‌خواست‌با‌ایران‌همکاری‌مالی‌نکنند،‌چرا‌که‌در‌صورت‌همکاری،‌مجرم‌شناخته‌خواهند‌شد.<sup>۶</sup>‌ایران‌در‌این‌مدت‌با‌وجود‌اینکه‌تحت‌شدیدترین‌فشار‌تحریمی‌بود‌هیچ‌اقدامی‌نکرد‌و‌تنها‌به‌این‌دلخوش‌بود‌که‌اجرای‌تعهدات‌هسته‌ای‌توسط‌ایران‌بهانه‌را‌از‌دشمن‌می‌گیرد‌و‌آمریکا‌را‌منزوی‌می‌کند،‌اما‌در‌خرادامه‌امسال‌غلط‌بودن‌این‌موضوع‌نیز‌اثبات‌شد‌و‌شورای‌حکام‌آژانس‌بین‌المللی‌انرژی‌اتمی‌با‌قطعه‌نامه‌ای‌که‌کشورهای‌فرانسه،‌آلمان‌و‌بریتانیا،‌یعنی‌طرف‌های‌اروپایی‌برجام‌ارائه‌دادند‌ایران‌را‌محکوم‌کرد<sup>۷</sup>‌و‌اکنون‌ایران‌نه‌تنها‌شامل‌تحریم‌ها‌بود،‌بلکه‌متهم‌نیز‌شده‌بود،‌اما‌مسیر‌اتهام‌زدایی‌پایان‌نداشت.‌این‌بار‌نیز‌سیدعباس‌عراقچی‌به‌صحنه‌آمد‌و‌چند‌روز‌پس‌از‌این‌قطعه‌نامه‌اعلام‌کرد‌نביاید‌بهانه‌به‌دست‌آمریکایی‌ها‌داد!<sup>۸</sup>‌با‌همین‌استدلال‌ایران‌مجدداً‌با‌بازرسی‌بازرسان‌آژانس‌از‌دو

## گفت‌و‌گو

سیدمحمد مرندی، استاد دانشگاه تهران:

# واکنش ایران باید متناسب با رفتار دیگر اعضای شورای امنیت باشد

**اروپایی‌ها‌باید‌مطمئن‌شوند‌ایران‌آماده‌است‌نظرات‌های‌برجامی‌را‌به‌سطح‌NPT‌بازگرداند**

در‌شورای‌امنیت‌درباره‌وضعیت‌ایران‌ایجاد‌خواهد‌شد.‌در‌این‌شرایط‌هم‌مجموعه‌فعالیت‌ها‌اعم‌از‌فعالیت‌های‌دیپلماتیک‌باید‌مدنظر‌و‌در‌دستورکار‌مسئولان‌کشور‌قرار‌بگیرد‌تا‌واکنش‌مناسبی‌به‌اقدامات‌آمریکایی‌ها‌داده‌شود.‌نکته‌مهمی‌که‌در‌این‌میان‌باید‌مورد‌توجه‌قرار‌گیرد‌این‌است‌که‌همه‌آن‌۶‌قطعه‌نامه‌ای‌که‌گفته‌شده،‌لغو‌هستند‌و‌اجرا‌نمی‌شوند،‌در‌عمل‌درحال‌اجرا‌و‌عملیاتی‌شدن‌هستند‌بلکه‌فراز‌از‌مواد‌مندرج‌در‌این‌قطعه‌نامه‌اجرا‌شده‌اند،‌به‌عبارتی‌این‌۶‌قطعه‌نامه‌امروز‌به‌صورت‌غیرقانونی‌توسط‌آمریکا‌درحال‌اجراست.‌بنابراین‌با‌فرض‌اینکه‌حتی‌اگر‌آمریکای‌توانست‌دیگران‌را‌قانع‌کند‌و‌موافقت‌آنها‌را‌هم‌بگیرد،‌تغییری‌در‌وضعیت‌ما‌با‌بازگشت‌قطعه‌نامه‌های‌شورای‌امنیت‌ایجاد‌نمی‌شد،‌چون‌خیلی‌فراز‌از‌آنها‌به‌صورت‌غیرقانونی‌در‌حال‌اجرا‌هستند.‌امتیاز‌این‌وضعیت‌البته‌این‌است‌که‌آمریکا‌طی‌یک‌فرآیند‌سیاسی‌منزوی‌خواهد‌شد،‌هرچند‌ممکن‌است‌به‌اصطلاح‌این‌وضعیت‌برای‌ما‌نان‌و‌آب‌نشود‌اما‌با‌توجه‌به‌فرآیندهای‌سیاسی‌موجود‌در‌سطح‌جهان،‌این‌به‌نفع‌ما‌خواهد‌بود.

**برخی‌معتقدند‌تداوم‌پایبندی‌ایران‌به‌برجام،‌از‌نظر‌راهبردی‌پس‌از‌۲۰‌سپتامبر‌خیلی‌درست‌نباشد،**

اروپایی‌ها‌باید‌از‌هم‌اکنون‌بدانند‌که‌ما‌آمدآنگی‌انجام‌چنین‌اقدامی‌را‌داریم.‌اروپایی‌ها‌باید‌مطمئن‌شوند‌که‌ما‌آمدآنگی‌چنین‌کاری‌را‌داریم،‌کما‌اینکه‌ما‌در‌حوزه‌تحقیق‌و‌توسعه‌همه‌تعهدات‌خود‌را‌به‌تدریج‌لغو‌کرده‌ایم.

**گفتید‌به‌صورت‌قابل‌قبول،‌این‌چیزی‌که‌توصیف‌کردید‌چه‌ابعادی‌دارد‌و‌اگر‌اروپایی‌ها‌و‌دیگر‌اعضای‌سازمان‌ملل‌چه‌اقدامی‌انجام‌دهند،‌دیگر‌لازم‌نیست‌که‌ما‌نظارت‌های‌خود‌را‌کاهش‌دهیم؟**

این‌یک‌بحث‌پیچیده‌است،‌شورای‌عالی‌امنیت‌ملی‌باید‌بنشینند‌و‌محاسبه‌کنند‌که‌تا‌کجا‌باید‌ما‌جلو‌برویم‌و‌درباربر‌چه‌اقدامی‌از‌سوی‌طرف‌مقابل‌چه‌واکنشی‌داشته‌باشیم.‌در‌این‌خصوص‌نظر‌بنده‌این‌است‌که‌باید‌به‌اروپایی‌ها‌تفہیم‌شود‌که‌ما‌اگر‌اراده‌کنیم‌تا‌آخر‌ما‌جرای‌می‌توانیم‌برویم.

**این‌یعنی‌خطوط‌قرمز‌ایران‌به‌وضوح‌برای‌طرف‌مقابل‌مشخص‌شود؟**

بله،‌این‌یکی‌از‌ابزار‌های‌مهم‌است،‌هرچند‌راه‌های‌دیگری‌هم‌برای‌فشار‌آوردن‌به‌طرف‌مقابل‌هست؛‌ازجمله‌نفوذ‌منطقه‌ای‌ایران.‌طبیعتاً‌از‌این‌ابزار‌هم‌می‌توان‌استفاده‌کرد.